

فصل هشتم

پاورپوینت

PowerPoint

پاور پوینت:

در طراحی پاور پوینت ها باید دقت داشت تا آنچه که قرار است از زبان سخنران بیان شود و سخنران باید بتواند هماهنگی مناسبی بین اسلاید ها و مطالبی که می گوید برقرار کند. بدین ترتیب می تواند با ارجاع به موقع مخاطب به اسلاید و با نمایش یک تصویر، یک جمله و یا یک کلمه تاثیر مناسبی بر مخاطب گذاشت. استفاده از اسلاید ابزاری است که به سخنران یا مدرس کمک میکند تا میزان اثر بخشی مطالبی که بیان میکند را بالا ببرد.

مواردی که در تهیه یک پاور پوینت باید لحاظ شود بدین شرح می باشد :

- سایز فونت و فاصله خطوط
 - متن باید گویا و واضح باشد، فاصله سطر ها و شماره فونت حروف از همه نقاط کلاس قابل خواندن باشد.
 - انتخاب متن مناسب
 - پاور پوینت باید در یک نگاه خوانده شود و مخاطب را به سخنرانی علاقمند نموده و ذهنش با بحث آشنا شود.
 - انتخاب رنگ مناسب
 - ترکیب رنگ قرمز و سیاه و یا زرد و سیاه در ابتدا جذاب است اما در بلند مدت مخاطب را خسته میکند. پس شاید بتوان از آن برای شروع استفاده کرد . اما برای متن اصلی مناسب به نظر نمیرسد. در مقابل ترکیب آبی و یا آبی تیره و سفید یا کرم آرامش بخش است.
 - انتخاب افکت
 - از افکت های زیاد انیمیشن بپرهیزید.
 - استفاده از فیلم های کوتاه و مرتبط با موضوع
 - استفاده از عکس های مناسب با موضوع درسی
 - استفاده از فایل های صوتی
 - پاور پوینت فقط جای مطالب مهم نه صفحات پر از متن
 - مدیریت زمان با توجه به تعداد اسلاید ها
- آنچه لازم به ذکر است در خصوص تهیه پاور پوینت ، نمایش اهداف جلسه در اولین اسلاید و یکدست بودن فرم ظاهری صفحات و لحاظ کردن آرم مؤسسه یا مرکز آموزشی در قسمت بالایی اسلاید ها و ذکر عنوان درس یا

موضوع مورد بحث در قسمت نوار بالایی اسلاید ، و نتیجه گیری در اسلاید پایانی جلسه از مهمترین مواردی بود که عنوان شد. اکنون شما را با اصول کاربردی پاور پوینت در مبحث بعدی آشنا می کنیم.

اصول کاربردی پاور پوینت براساس طراحی هفتگانه چند رسانه ای مایر

۱. اصل چندرسانه ای : دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که از کلمات و تصاویر در کنار هم استفاده شود نه اینکه تنها از کلمات استفاده شود.

* منطق نظری:

زمانیکه کلمات و تصاویر در کنار هم ارائه می شوند، دانش آموزان فرصت ساختن مدل های ذهنی تصویری و کلامی و نیز ایجاد ارتباط میان آنها را بدست می آورند. زمانیکه تنها کلمات ارائه می شوند، دانش آموزان فرصت ایجاد یک مدل ذهنی کلامی را دارند؛ اما این احتمال کمتر است که بتوانند یک مدل ذهنی تصویری را ایجاد کنند و ارتباطاتی را میان مدل های ذهنی تصویری و کلامی بوجود آورد.

۲. اصل مجاورت مکانی : دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که در صفحه یا صفحه نمایشگر، تصاویر و کلماتی که مربوط به هم هستند نزدیک به هم یا در کنار هم به نمایش در آیند تا اینکه دور از هم به نمایش در آیند.

* منطق نظری:

وقتی بر روی صفحه یا صفحه نمایشگر، کلمات و تصاویر مربوط به هم نزدیک یکدیگر یا در کنار هم قرار دارند یادگیرندگان مجبور نیستند منابع شناختی خود را برای جستجوی دیداری صفحه یا صفحه نمایشگر صرف کنند به احتمال زیاد یادگیرندگان قادر به نگهداری هر دوی آنها در حافظه فعال خود در آن واحد هستند. وقتی کلمات و تصاویر مربوط به هم دور از یکدیگر بر روی صفحه یا صفحه نمایشگر قرار دارند، یادگیرندگان مجبورند منابع شناختی خود را برای جستجوی دیداری صفحه یا صفحه نمایشگر، برای [پیدا کردن] کلمات و تصاویر مربوط به هم، صرف کنند. بنابراین احتمال کمی وجود دارد که یادگیرندگان قادر باشند هر دوی آنها را در حافظه فعال خود در آن واحد؛ حفظ و نگهداری کنند.

۳. اصل مجاورت زمانی : زمانیکه کلمات و تصاویر مربوط به هم، به جای اینکه بصورت پیاپی و پشت سرهم ارائه شود؛ بصورت همزمان ارائه می شود دانش آموزان بهتر یاد می گیرند.

* منطق نظری:

زمانیکه بخش انیمیشن و بیان شفاهی (یا گفتار گوینده) مربوط به آن در یک زمان ارائه می شوند، این احتمال زیاد هست که یادگیرنده بتواند بازنمایی های ذهنی هر دو را در حافظه فعال خود در یک زمان نگهداری کند و بنابراین احتمال بیشتری وجود دارد که یادگیرنده قادر باشد ارتباطات یا پیوندهای ذهنی میان بازنمایی های دیداری و کلامی برقرار کند.

زمانیکه بین بخش انیمیشنی و بیان شفاهی مربوط به آن از لحاظ زمانی فاصله وجود دارد احتمال کمی وجود دارد که یادگیرنده قادر باشد بازنمایی های ذهنی هر دو را در حافظه فعال خود در یک زمان نگهداری کند و بنابراین احتمال کمتری هست که او قادر باشد پیوندها یا ارتباطات ذهنی بین بازنمایی های دیداری و کلامی برقرار سازد. [حتی] اگر زمان میان شنیدن یک جمله و دیدن بخش انیمیشنی مربوط به آن کوتاه باشد در این صورت نیز باز این امکان هست که یادگیرنده بتواند پیوند ها یا ارتباطاتی را بین تصاویر و کلمات برقرار سازد. از طرف دیگر اگر یادگیرنده یک متن طولانی را گوش کند و انیمیشن کاملی را در زمان های جداگانه تماشا کند در این صورت احتمال کمی وجود دارد که یادگیرنده بتواند پیوند هایی را بین تصاویر و کلمات برقرار سازد.

۴. اصل پیوستگی یا انسجام: دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که از گنجانده شدن مواد درسی نامربوط و نامرتبط جلوگیری شود. اصل انسجام یا پیوستگی می تواند در سه تعبیر یا برگردان تکمیلی بخش بندی شود: (۱) زمانیکه ارائه چند رسانه ای گیرا و جالب توجه است اما تصاویر و کلمات نامرتبط اضافه شده اند به یادگیری دانش آموز لطمه وارد می شود، (۲) زمانیکه ارائه چند رسانه ای گیرا و جالب توجه است اما اصوات و موسیقی نامرتبط اضافه شده است به یادگیری دانش آموز لطمه وارد می شود، (۳) زمانیکه کلمات [و تصاویر] غیر ضروری از ارائه چند رسانه ای حذف شوند یادگیری دانش آموز بهبود پیدا می کند.

* منطق نظری:

مواد درسی نامربوط یا بی ربط، منابع شناختی را در حافظه فعال به چالش می کشند و می توانند توجه و آگاهی را از مواد درسی مهم منحرف کنند، می توانند فرآیند سازماندهی مواد درسی را مختل سازد و همچنین می توانند باعث شوند که یادگیرنده مواد درسی را به شکل نامناسبی سازماندهی کند.

۵. اصل کانال های حسی: دانش آموزان از انیمیشن و بیان شفاهی بهتر از انیمیشن و متن روی صفحه [مانیتور] یاد می گیرند؛ به عبارت دیگر دانش آموزان زمانی خوب یاد می گیرند که کلمات موجود در پیام های چند رسانه ای به جای متن چاپی به صورت گفتاری ارائه شود.

* منطق نظری:

زمانیکه تصاویر و کلمات هر دو بصورت دیداری ارائه می شود (همانند انیمیشن و متن [چاپی]) ظرفیت کانال تصویری/ دیداری پر می شود؛ در حالی که کانال کلامی/ شنیداری بدون استفاده می ماند. زمانیکه کلمات بصورت شنیداری ارائه می شود آنها می توانند در کانال کلامی/ شنیداری پردازش شوند، بدین ترتیب کانال تصویری/ دیداری، فقط برای پردازش تصاویر اختصاص پیدا می کند.

۶. اصل افزونگی یا مازاد : دانش آموزان از طریق انیمیشن و بیان شفاهی بهتر از انیمیشن، بیان شفاهی و متن [چاپی] یاد می گیرند.

* منطق نظری:

وقتی تصاویر و کلمات هر دو بصورت دیداری ارائه می شود (همانند انیمیشن و متن چاپ شده)، در این صورت امکان دارد ظرفیت کانال دیداری پر شود.

۷. اصل تفاوت های فردی : تاثیرات طراحی [آموزش چند رسانه ای] بر یادگیرندگان دارای دانش کمتر نسبت به یادگیرندگان دارای دانش بیشتر و همچنین بر یادگیرندگان دارای [درک] فضایی بالا نسبت به یادگیرندگان دارای [درک] فضایی پایین تاثیر گذارتر و موثرتر است.

* منطق نظری:

یادگیرندگان دارای دانش بیشتر قادرند تا از دانش قبلی خودشان برای جبران فقدان راهنمایی در ارائه [چند رسانه ای] بهره ببرند- نظیر شکل دادن مناسب ذهنی به تصاویر از طریق کلمات- در صورتی که یادگیرندگان دارای دانش کمتر به میزان کمتری احتمال دارد که قادر باشند به هنگامی که ارائه چند رسانه ای فاقد راهنمایی است، خود را در یک فرآیند پردازش شناختی درگیر سازند. یادگیرندگان دارای [درک] فضایی بالا برای یکپارچه کردن بازنمایی های دیداری و شنیداری از ارائه های چند رسانه ای تأثیر گذار، ظرفیت شناختی را در اختیار دارند؛ در مقابل، یادگیرندگان دارای درک فضایی پایین باید ظرفیت شناختی خیلی زیادی را برای نگهداری تصاویر ارائه شده در حافظه خود اختصاص دهند.

این جزوه توسط خانم اکرم سادات قربی گرد آوری شده است و کار تنظیم و ویراستاری آن توسط آقای مرتضی پردل صورت گرفته است.

منابع فارسی:

- ۱ - احدیان، محمد؛ آقا زاده، محرم (۱۳۷۸)، راهنمای روش های نوین تدریس، نشر آییژ، چاپ اول
- ۲ - جویس، بریس؛ ویل، مارشال؛ کالهن، وایلی (۱۳۸۰)، الگوهای تدریس ۲۰۰۰، ترجمه: محمد رضا بهرنگی
- ۳ - دونالد، سی اورپیچ؛ جی هاردن، رابرت؛ کالاهان، ریچارد سی؛ گیبسون، هری رابلیو (۱۳۷۹)، ترجمه: رضا مهجور و پروین غیاثی، نشر سامان، چاپ اول.
- ۳ - شعبانی، حسن (۱۳۸۰)، مهارت های آموزشی و پرورشی، نشر سازمان مطالعه و تدوین کیت علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ یازدهم.
- ۴ - کرامتی، محمد رضا (۱۳۸۲)، نگاهی نو و متفاوت به رویکرد مشارکتی، نشر آئین تربیت، چاپ اول
- ۵ - کرامتی، محمد رضا؛ قربانی، محمود؛ فتح آبادی، جواد (۱۳۸۲)، نظارت و راهنمایی آموزشی، نشر پژوهش توس، چاپ اول.
- ۶ - مشایخ، فریده؛ (۱۳۸۱)، دیدگاه های نو در برنامه ریزی آموزشی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول.
- ۷ - نشریه آشتی با علوم (۱۳۸۲)، چه کسی را آموزش دیده می دانید، شماره ۳

۸ - Johnson.D.and R.Johnson(2001)cooperative lerning .<http://www.clcr.com>

۹ - Johnson.D.and R.Johnson(2001).journal ofedu catinal/Resherch

۱۰ - Slavin.Roberte.Research on cooperative learning: consus and contoovry .
Educational leadership vol.47.No.4